



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)



<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2024.88921.1297>

پژوهشی

تحلیل موانع و چالش‌های شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس

زهرنا نسیمی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد،

ایران)

nasimi.zahra@mail.um.ac.ir

سیده‌های زرقانی (دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد،

ایران، نویسنده مسئول)

h-zarghani@um.ac.ir

امیدعلی خوارزمی (استادیار برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد،

ایران)

kharazmi@um.ac.ir

حسین ربیعی (دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، ایران، تهران)

rabiee@khu.ac.ir

چکیده

منطقه‌گرایی یکی از سازوکارهای دولت‌ها برای مقابله با بی‌ثباتی و برقراری نظم و امنیت در مناطق مختلف جهان است و دولت‌های ملی با استفاده از این شیوه به جنگ‌ها و منازعات پایان داده و به ثبات و امنیت نسبی دست یافته‌اند. پرسشی که مطرح است این است که چرا این سازوکار تاکنون نتوانسته در منطقه خلیج فارس موفق عمل کند، درواقع مهم‌ترین موانع و چالش‌های شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس کدام‌اند. در این راستا، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر کتابخانه‌ای و میدانی، در ابتدا مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های واگرایی را گردآوری و با روش «کدگذاری و مقوله‌بندی» غربال و در نهایت در قالب پنج بُعد اقتصادی، سیاسی، دفاعی-امنیتی، سرزمینی و فرهنگی-اجتماعی طبقه‌بندی کرده است. در مرحله مطالعات میدانی، پرسشنامه به دو زبان عربی و انگلیسی ترجمه و در اختیار صاحب‌نظران همه کشورهای منطقه قرار گرفت. در تحلیل یافته‌ها برای ارزیابی وزن و اهمیت موانع و چالش‌های شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس از آزمون تی تک نمونه‌ای و برای مقایسه نظرات پاسخ‌دهندگان ایرانی و صاحب‌نظران کشورهای عرب منطقه در این زمینه از آزمون تی همبسته مستقل استفاده شده است. جهت ارزیابی مؤثرترین موانع و چالش‌ها در تشکیل سازمان منطقه‌ای خلیج فارس نیز از معادلات ساختاری PLS استفاده شده است. بررسی شاخص‌ها با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد، بیشترین میانگین شاخص‌ها در بُعد اقتصادی به «فقدان هم‌تکمیلی و مشابهت در کارکردهای اقتصادی»، در بُعد سیاسی به «رقابت کشورها برای کسب جایگاه برتر» و «تقابل ایدئولوژی نظام‌های سیاسی»، در بُعد سرزمینی به «اختلافات مرزی و سرزمینی»، در بُعد فرهنگی-اجتماعی به

«تعصبات نژادی، قومی و قبیله‌ای» و در بُعد دفاعی- امنیتی به «دکترین‌های امنیتی متعارض و رقابت‌های تسلیحاتی» تعلق دارد. همچنین مقایسه نظر پاسخ‌دهندگان ایرانی و صاحب‌نظران کشورهای عرب منطقه نشان می‌دهد، در بُعد سیاسی در شاخص «فضای بی‌اعتمادی در آغاز همکاری» در بُعد سرزمینی در شاخص «اختلاف کشورها بر نام‌گذاری مناطق و مکان‌ها» در بُعد فرهنگی- اجتماعی در شاخص «تفاوت‌های مذهبی و زبانی» و در بُعد دفاعی- امنیتی در شاخص «غلبه نظامی‌گری بر فضای منطقه» میانگین نظر پاسخ‌دهندگان ایرانی با صاحب‌نظران عرب تفاوت دارد. در بحث مؤثرترین عوامل پیشران نیز یافته‌ها نشان می‌دهد، بُعد سرزمینی و بُعد فرهنگی- اجتماعی بیشترین تأثیر و بُعد اقتصادی کمترین تأثیر را دارند.

واژگان کلیدی: منطقه، واگرایی، منطقه‌گرایی، سازمان منطقه‌ای، خلیج فارس

مقدمه

یکی از ویژگی‌های روابط بین‌الملل پس از جنگ سرد، رشد و توسعه همکاری و همگرایی منطقه‌ای در چهارچوب منطقه‌ای شدن بوده است (Dehghani Firouzabadi, 2013: 71). درواقع، در پی تغییرات عمیق در سیاست، اقتصاد، امنیت جهانی و مسائل منطقه‌ای و تحول منظم و ساختاری که پس از جنگ سرد در روابط بین‌الملل ایجاد شده است، مناطق به‌صورت نیروهای مستقل بین‌المللی درآمدند که هریک منافع و ادعاهای مستقل خود را در قالب همکاری‌های منطقه‌ای و منطقه‌گرایی دنبال می‌کنند (Hua, 2005: 51). منطقه‌گرایی فرایندی است که حرکت خود را از دولت‌های مستقل فردی به‌سوی واحدهای بزرگ‌تر آغاز می‌کند (Koskeniemi, 2006: 106). این پدیده ضمن حفظ برابری سیاسی میان دولت‌های حاکم، از طریق شکل‌گیری بلوک‌های منطقه‌ای مانع تهدیدات خارجی می‌گردد (Hosseini, 2013: 33). درواقع، منطقه‌گرایی یعنی توجه به یک منطقه جغرافیایی مشخص که بهترین مکان برای تحقق اهداف و منافع واحدهای حاضر در آن منطقه است. یک منطقه ممکن است در قلمرو یک دولت یا در فراسوی مرزهای یک دولت شکل بگیرد. وجه مشترک تعاریف منطقه‌گرایی محدوده خاص برای تحقق اهداف موردنظر و داشتن بهترین کارایی است و معیارهای آن نیز منفعت‌گرایانه است. انگیزه نخبگان سیاسی برای منطقه‌گرایی، اقتصاد بهتر، گسترش امنیت، توسعه ارتباطات، امکان ارتباط مستقیم با کشورهای همسایه، تثبیت موقعیت خود در سطح رهبری منطقه و.... است (Majidi et al, 2008: 6).

علیرغم اهمیت نقش منطقه‌گرایی در روابط بین‌الملل و مباحث همکاری بین کشورها، اما هنوز مناطقی از جهان وجود دارند که نتوانسته‌اند از این ایده به نحو بسیار مطلوبی بهره‌برداری نمایند تا از این طریق به‌عنوان یک کنشگر در عرصه سیاست بین‌الملل و به‌ویژه مسائل منطقه‌ای خودنمایی کنند. ازجمله این مناطق، منطقه خلیج فارس است؛ منطقه‌ای که علیرغم پتانسیل و توانایی‌های بالقوه‌ای که در زمینه همگرایی و منطقه‌گرایی دارد،

در مقایسه با سایر نقاط جهان به‌خصوص اروپا، آسیای جنوب شرقی و آمریکای شمالی، پایین‌ترین درجه همگرایی منطقه‌ای را در جهان معاصر داشته است. البته پروژه‌های منطقه‌ای هم که توسط کشورهای عربی در منطقه ایجاد شده‌اند، نتوانسته‌اند نظم، ثبات و هماهنگی منطقه‌ای در زمینه مسائل و مشکلات مشترک ایجاد کنند (Rouhi, 2016:17-18). در این رابطه اگر منطقه‌گرایی را دارای ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بدانیم که بر اساس آن دولت‌ها در داخل یک منطقه با توجه به زمینه‌های مشترک به هماهنگ‌سازی سیاست‌های خود می‌پردازند و سعی می‌کنند تا هدف‌های مشترک را تعقیب نمایند و برای رسیدن به یک نظم و ثبات منطقه‌ای با هم همکاری، اتحاد و ائتلاف کنند، این سؤال پیش می‌آید که چرا باوجود اینکه کشورهای منطقه خلیج فارس از هویت مشترکی در زمینه همگرایی و منطقه‌سازی برخوردارند، این کشورها موفق به ایجاد هویت جمعی و هماهنگی در اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای که به تشکیل یک سازمان منطقه‌ای با حضور همه کشورهای منطقه بیانجامد، نشده‌اند. از این رو، در این پژوهش تلاش شده است، مهم‌ترین موانع و چالش‌های مؤثر در شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس با حضور همه کشورهای منطقه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. برای پرهیز از نگرش جانبدارانه تلاش شده است در بخش مطالعه میدانی از نظریات صاحب‌نظران و اندیشمندان همه کشورهای منطقه استفاده شود.

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های مختلفی در خصوص بررسی مؤلفه‌های واگرایی در منطقه خلیج فارس انجام شده است که به مهم‌ترین آن‌ها در قالب جدول زیر اشاره شده است:

جدول (۱): پیشینه پژوهش

نویسنده	عنوان مقاله	نتیجه
سید عباس احمدی کرچ و نجفی (۱۳۹۸)	شناسایی اولویت‌بندی عوامل واگرایی در روابط ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس	با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، به دنبال پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین عوامل ایجاد واگرایی در روابط بین ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس چیست؟ نتایج نشان می‌دهد عامل رقابت هژمونیک میان ایران و عربستان برای رهبری امور منطقه به‌عنوان مؤثرترین عامل واگرایی و پس از آن به ترتیب، اختلافات ایدئولوژیک، مداخله قدرت‌های فرا منطقه‌ای، وجود هویت‌های متعارض و متضاد، تفکرات ناسیونالیستی، ماهیت نظام سیاسی بین ایران و اعراب، دانش هسته‌ای ایران، رقابت تسلیحاتی کشورهای منطقه، پدیده تروریسم در خاورمیانه و اختلافات ارضی و مرزی به‌عنوان تأثیرگذارترین عوامل واگرایی محسوب می‌شود.
محمد محمودی کیا (۱۳۹۸)	تحلیلی بر چرایی امتناع از منطقه‌گرایی در روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس	با روش تحلیلی-توصیفی در پی پاسخ به این سؤال است که آیا امکان تحقق ایده منطقه‌گرایی در منطقه خلیج فارس وجود دارد؟ نتایج نشان می‌دهد، با توجه به عواملی چون وجود الگوهای پایدار از دشمنی و تخصص، وابستگی ساختاری کشورهای عرب خلیج فارس به قدرت‌های فرا منطقه‌ای و به‌طور ویژه ایالات متحده، ماهیت غیردموکراتیک کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، وجود رقابت‌های ایدئولوژیک، استراتژیک و ژئوپلیتیک بین کشورهای منطقه، امکان دست‌یابی به یک الگوی

همکاری وجود ندارد و ادامه این روند به تعمیق هرچه بیشتر واگرایی در منطقه و نیز تشدید تنگنای امنیتی و نظامی‌تر شدن خلیج فارس خواهد شد.		
با روش توصیفی- تحلیلی به دنبال واکاوی مهم‌ترین چالش‌های همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، مهم‌ترین چالش‌ها عبارت‌اند از: بحران مشروعیت و ضعف حکومت‌های محلی، عقب‌ماندگی ساختاری کشورها، اقتصاد نفت و مکمل نبودن اقتصاد کشورهای منطقه، تأثیر بازی‌های فرا منطقه‌ای بر راهبرد کشورها و منازعات و مناقشات ارضی و مرزی.	چالش‌های همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس	آرایش و همکاران (۱۳۹۸)
با روش توصیفی- تحلیلی به تأثیر فرآیند ناتمام دولت- ملت‌سازی بر همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد، ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای و برقراری ثبات و امنیت در منطقه خلیج فارس نیازمند به انجام رسیدن فرآیند دولت- ملت‌سازی در این منطقه و تثبیت دولت‌های ملی است. در این زمینه پژوهشگر دو راهکار داخلی و خارجی ارائه می‌دهد. درزمینه داخلی مسئولیت و سهم اصلی را متوجه دولت، نخبگان حاکم و نهادها و رهبران غیردولتی این کشورها می‌داند و درزمینه راهکار خارجی به روابط دولت‌ها، مردم و نهادهای غیردولتی کشورهای منطقه مربوط تأکید دارد.	فرآیند ناتمام دولت - ملت‌سازی و از رشدماندگی همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس	وحید سینایی (۱۳۹۵)
با روش توصیفی- تحلیلی، به دنبال بررسی و تحلیل مهم‌ترین زمینه‌های همگرایی و واگرایی در منطقه خلیج فارس است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، مهم‌ترین عوامل واگرا عبارت‌اند از: حضور و دخالت قدرت‌های فرا منطقه‌ای، رقابت تسلیحاتی، دیدگاه‌های امنیتی متفاوت و گاهی متضاد، نبود اعتماد جمعی. همچنین مؤلفه‌های همگرایی نیز عبارت‌اند از: قلمرو جغرافیایی مشترک، دین اسلام و ارزش‌های فرهنگی مشترک و منابع نفت و گاز.	فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس	بهادر زارعی و همکاران (۱۳۹۳)
با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از نظریه همگرایی منطقه‌ای کانتوری و اشیپگل، درصدد پاسخ به این سؤال است که چه عواملی مانع از شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای فراگیر در سیستم تابع خاورمیانه شده است؟ نتایج نشان می‌دهد، باوجود تشابهات دینی، تاریخی، فرهنگی و تا حدودی قومیتی، به دلیل تفاوت در سطح قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای منطقه، نبود اراده قوی برای همکاری و همچنین مداخلات روزافزون قدرت‌های بزرگ، چشم‌انداز روشنی برای شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای فراگیر در آینده نزدیک وجود ندارد.	موانع شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای فراگیر در خاورمیانه	طاهر طاهری مقدم (۱۳۹۱)
این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی به دنبال بررسی ابعاد نظری واگرایی در روابط خارجی بین ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، علاوه بر نقش و تأثیر ساختار نظام بین‌الملل، به واسطه نبود هنجارهای مشترک، بستری برای شکل‌گیری هویت مشترک نیز شکل نگرفته در نتیجه این امر فضای رقابتی، بی‌اعتمادی و عدم آگاهی منطقه‌ای را بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس شاهد هستیم.	تبیینی سازه‌انگارانه از علل واگرایی ایران و شورای همکاری خلیج فارس	مجید روحی دهبه (۱۳۹۰)
این مقاله با رویکردی تحلیلی به دنبال بررسی عوامل و زمینه‌های فرهنگی و هویتی واگرایی عناصر ایرانی و عرب در خلیج فارس است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، عوامل ایجاد واگرایی عبارت‌اند از: اختلافات دینی و مذهبی، ناسیونالیسم، بی‌ثباتی سیاسی، رقابت‌های منفی و وابستگی برخی کشورهای اسلامی به قدرت‌های بیگانه. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد واگرایی در خلیج فارس ناشی از سیاست‌های مقطعی و درازمدت غرب برای ایجاد دودستگی و اختلاف در منطقه خلیج فارس بوده و مهم‌ترین نتیجه آن ایجاد زمینه برای نفوذ قدرت‌های غربی در این منطقه است.	زمینه‌های تاریخی واگرایی فرهنگی عناصر ایرانی و عرب در خلیج فارس	سلمان قاسمیان و علیرضا نیک‌نژاد (۱۳۹۰)

حجت مهکویی (۱۳۸۷)	ژئوپلیتیک خلیج فارس و واگرایی کشورهای ساحلی	این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال بررسی نقش ژئوپلیتیک خلیج فارس در واگرایی کشورهای ساحلی آن است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک تنگه هرمز، موقعیت ژئوپلیتیک خلیج فارس و جزایر آن و موقعیت و جایگاه کشورها همواره با شدت و ضعف‌های مختلف نقش اصلی و تعیین‌کننده را در سیر اختلافات کشورهای حوزه خلیج فارس داشته‌اند.
مصطفی مدنی (۱۳۸۵)	تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس	این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد تا حوزه خلیج فارس را از دید نیروهای واگرا که به‌صورت مانعی بر سر همگرایی منطقه‌ای تجلی می‌نماید موردبررسی قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حداقل سه منبع تعارض در شکل، تلاش برای تصرف و دستیابی به فضای خلیج فارس، دیدگاه نسبت به مداخله‌گران برون منطقه‌ای و نیاز به چتر حمایتی قدرت‌های فرا منطقه‌ای در تمامی ابعاد، مانع از همگرایی در منطقه شده است.

(Source: Research findings based on available resources,2024)

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، اغلب پژوهش‌هایی که به بررسی و تحلیل زمینه‌های واگرایی کشورهای منطقه خلیج فارس پرداخته‌اند، به یافته‌های مشترکی از جمله، وجود منازعات و نقش و تأثیر قدرت‌های بزرگ در ایجاد آن، وجود هویت‌ها و هنجارهای متعارض و متضاد، رقابت بین این هویت‌ها و درونی نشدن هنجارها در منطقه و همچنین رقابت تسلیحاتی، دیدگاه‌های امنیتی متفاوت و متضاد، نبود اعتماد جمعی و اختلاف‌های ارضی و مرزی رسیده‌اند. تفاوت اساسی پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین از دو جنبه است. اول، پرهیز از دیدگاه یک‌جانبه‌نگر، زیرا در همه پژوهش‌های صورت گرفته عوامل و زمینه‌های واگرایی از منظر اندیشمندان و صاحب‌نظران ایرانی بررسی شده است، در حالی که در این پژوهش، پرسشنامه به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی تدوین شد و در اختیار صاحب‌نظران همه کشورهای منطقه خلیج فارس قرار گرفت و در مرحله تحلیل نیز به مقایسه نظرات پاسخ‌دهندگان ایرانی و صاحب‌نظران کشورهای عرب منطقه پرداخته شد. دومین تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های قبلی، این است که در این پژوهش علاوه بر گردآوری و شناخت اکثر عوامل و زمینه‌های واگرایی، نقش این عوامل به‌عنوان مانع و چالش در شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس موردبررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۳- مبانی نظری

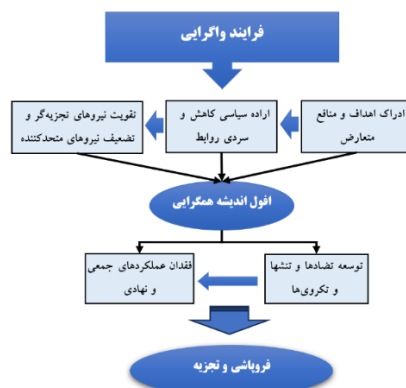
۳-۱- منطقه، همگرایی و واگرایی

منطقه را می‌توان به‌عنوان واحدها و نواحی در نظر گرفت که اعضایش از گروه‌ها، دولت‌ها و قلمروهایی تشکیل شده است که میزانی از خصایص هویتی مشترک را دارا می‌باشند (آقایی و طاهری، ۱۳۹۴: ۵۵). فرهنگ علوم سیاسی، واژه منطقه را در چارچوب مطالعات روابط بین‌الملل معرفی می‌کند و آن را شامل چند سرزمین و چند کشور می‌داند که به سبب پیوندهای جغرافیایی یا منافع مشترک با هم ارتباط دارند (Javadi Arjamand, 2021: 41). از این رو منطقه را می‌توان ترکیبی از نزدیکی جغرافیایی، درجه بالای تعاملات، چارچوب‌های نهادی

و هویت‌های مشترک دانست. به‌طورکلی هر منطقه ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود را دارد و می‌توان آن را بر پایه شرایط پایدار و ثابتی مانند جغرافیا، گروه‌های قومی و فرهنگی و یا عناصر و عواملی متغیر و ناپایدار مانند توسعه اقتصادی، ماهیت نظام‌های سیاسی، میزان و درجه وابستگی متقابل تعریف کرد (Lake and Morgan, 1997: 4).

در هر نظام منطقه‌ای، هم‌زمان دو دسته روابط میان اعضاء به چشم می‌خورد، از یک‌سو، به دلیل تشریک‌مساعی و هم‌راستایی در اهداف و منافع، نوعی روند رو به رشد همکاری و همگرایی پدید می‌آید؛ درواقع همگنی و تجانس در بافت طبیعی و انسانی که هسته اصلی و امکان موجودیت ساختارهای منطقه‌ای به شمار می‌رود، سبب می‌شود تا کشورهای هم‌جوار جغرافیایی برای افزایش مقیاس و میزان تعاملات خود و رهسپاری به‌سوی تکامل، تجمع و هم‌افزایی، اقدام به تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای و منطقه‌گرایی نمایند.

از دیگر سو و در روندی معکوس، در گذار زمان رفتارهای واگرایانه در قالب رقابت و تعارضات پیدا و پنهان میان کشورهای یک منطقه ظاهر می‌شود. در چنین وضعیتی شماری از کشورها با افزایش وزن ژئوپلیتیکی، فلسفه وجودی ائتلاف منطقه‌ای را در تضاد با تکامل و هم‌افزایی قلمداد کرده و با پیدایش مداخلات خارجی، از قبول اقتدار برتر خارج از چارچوب خود امتناع می‌ورزند و به دلیل استقلال از ائتلاف‌های منطقه‌ای، فرایند واگرایی شکل می‌گیرد (Vathiq and Qarabeigi, 2017: 174). واگرایی درواقع فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از همدیگر دور شده و در اثر آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم می‌آید (Ghavam, 2005: 229). به‌عبارت‌دیگر فرایند واگرایی، در ارتباط با بازیگران سیاسی و دولت‌های یک منطقه، از اهداف و منافع متعارض و کشمکش در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و ارزشی شروع می‌شود و با تداوم آن، نیروهای اصلی و یا تسهیل‌کننده به تقویت روند کمک نموده تا فرایند را کامل نمایند. مرحله پایانی فرایندهای مزبور را تجزیه با پیامدهایی چون تنش، بدبینی، خصومت، رقابت، مسابقه تسلیحاتی، جنگ و توسعه نیافتگی تشکیل می‌دهد. به‌طور اختصار، واگرایی و کشمکش می‌تواند محصول مخالفت آگاهانه و تصادم منافع و ارزش‌ها تلقی گردد (Doerty and Palatigraph, 2005: 395) (Hafeznya, 2008: 278). در شکل زیر فرایند واگرایی مشاهده می‌شود.



شکل (۱) فرایند واگرایی

(Source: Authors taken from: Hafeznaya, 2008)

در صحنه روابط بین‌الملل برای سیستم‌های واگرا ویژگی‌هایی تعریف شده است که عبارت‌اند از:

- ۱- دارای سیستم‌های تکرور، انقلابی و دیکتاتوری هستند؛
- ۲- دارای رهبران و نخبگان درون‌گرا بوده و علاقه‌ای به باز کردن مرزها و ایجاد رابطه با دول خارجی ندارند؛
- ۳- سابقه خوبی در ایفای تعهد به پیمان و اقوال و عهود بین‌المللی ندارند؛
- ۴- همواره از قرار گرفتن تحت سلطه قدرت بزرگ‌تر نگرانند؛
- ۵- دارای احساسات ملی، قومی، میهنی و عقیدتی شدید هستند (Kazemi, 2005: 66) (Hafeznia, 2008: 376).

همچنین واگرایی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد و عوامل زیر در سطح بین‌المللی باعث جدایی‌گزینی و گسیختگی یک پدیده همگرا می‌شود:

- ۱- گسیختگی فضایی و جغرافیایی و فقدان یکپارچگی (Hafeznia and Kaviani Rad, 2004: 65).
- ۲- گسیختگی، تضاد و تعارض فرهنگی، دینی و ایدئولوژیک
- ۳- تعارض منافع ملی و جمعی در امور منطقه‌ای و جهانی، نظیر توسعه حوزه نفوذ در مناطق دچار خلاء قدرت و نیز رقابت قدرت برای سیادت منطقه‌ای و جهانی
- ۴- بروز تعارضات درون‌ساختی و نگرش رقابت‌آمیز اعضا نسبت به یکدیگر، به‌ویژه آنهایی که دارای وزن ژئوپلیتیکی متوازن می‌باشند.
- ۵- محو شدن اهداف و یا تهدیدات مشترک اعضا
- ۶- وجود سازه‌های ائتلافی رقیب و یا متداخل که می‌تواند برخی از اعضای ائتلاف را جذب و باعث ازهم‌پاشیدگی آن‌ها بشود.

- ۷- بروز تحولات درون ساختی هر یک از اعضا در زمینه‌های سیاسی، ایدئولوژیک و...
- ۸- رقابت اقتصادی که منعکس‌کننده تلاش جوامع و دولت‌های سرمایه‌داری برای جذب بیشتر بازار محصولات، نیروی انسانی و مواد خام ارزان‌تر می‌باشد (Hafeznaya, 2008: 380) (Ghavam, 2005: 229).

۳-۲- نظریه گریز

یکی از نظریات روابط بین‌الملل در زمینه واگرایی، نظریه گریز است. این نظریه به تبیین فرایند شکل‌گیری چالش‌های واگرایی در نظام‌های منطقه‌ای می‌پردازد. در واقع نظریه گریز با تدوین چارچوبی منطقی از اصول، مفروضات، شاخص‌ها و مقیاس تحلیل، به معرفی الزامات و مقتضیات گریز یک عضو از ائتلاف‌های منطقه‌ای پرداخته و چارچوبی نظری برای مطالعه، فهم و پیش‌بینی کنش‌ها و وضعیت آینده نظام‌های منطقه‌ای ارائه می‌دهد.

اصول نظریه گریز شامل، ۱- اصل گسترش و گسست و ۲- اصل پایداری است. اصل گسترش و گسست، بیانگر آن است که هر نظام یا سیستم منطقه‌ای به موازات توسعه کیفی و کمی، عوامل و زمینه‌های واگرایی و جداشدگی را نیز درون خود پرورش می‌دهد. بر پایه اصل پایداری نیز تداوم نظام‌ها بیش از هر چیز وابسته به مبانی شکل‌گیری آن‌ها است. مطابق این اصل می‌توان نظام‌های منطقه‌ای را به نظام‌های مبتنی بر اقتصاد، امنیت و فرهنگ تقسیم کرد که بر پایه اصل پایداری، نظام‌های فرهنگ‌محور از سطح پایداری و استمرار بیشتری برخوردارند و نظام‌های منطقه‌ای مبتنی بر اقتصاد و امنیت، شتابان‌تر به تقسیم یا گریز از هسته‌های مرکزی تن در می‌دهند.

مفروضات نظریه گریز نیز عبارت‌اند از :

- ۱- وجود یک ساختار (مرکز- پیرامون)؛ در این ساختار، اعضای نظام‌های منطقه‌ای در یک ساختار سلسله مراتبی قرار می‌گیرند که وزن ژئوپلیتیکی و توان بازیگری آن‌ها از رأس هرم به‌قاعده، کاهش می‌یابد.
- ۲- وجود روابط نسبتاً هژمونیک در ساختار؛ ساختار سلسله مراتبی و هرمی، روابط میان اعضا را از حالت موازنه خارج و به‌سوی نوعی هژمونی و نظم یک بر چند پیش می‌برد. تداوم این نظم، نارضایتی را پدید آورده و اصل هم‌تکمیلی نظام‌های منطقه‌ای را مخدوش می‌کند و روابط فراسیستمی را تولید می‌نماید.
- ۳- وجود خواست و گرایش برای گریز؛ خواست و میل به گریز از سلطه در انسان‌ها (که بازیگران اصلی در قالب کشورها هستند. به تعبیری دیگر، می‌توان کشورها را انسان‌های ساختاریافته در فضا نام نهاد) نهادینه شده است. بنابراین برای تقسیم یا گریز از نظام منطقه‌ای سلطه، وجود اندیشه و میل به جداشدگی و نیز تولید و تقویت اندیشه‌های نو و مستقل از مرکز ضروری است.
- ۴- وجود ابزار، ظرفیت و امکان گریز؛ اعضای یک سیستم برای گریز و جدا شدن از هسته مرکزی آن، باید به مجموعه‌ای از توانمندی‌ها و قابلیت‌های مختلف دست‌یافته باشند. اساساً هسته‌های پیرامونی فاقد منابع و سرمایه، سود خود را در ماندن در وضعیت تابع و حاشیه می‌بینند.

۵- وجود مناسبات و تعاملات برون سیستمی؛ افزایش روابط با ساختارهای بیرون از نظام موجود، نقش مهمی در به فعلیت رسیدن گریز یا تقسیم یک عضو از یک سیستم دارد. درواقع، مناسبات برون سیستمی توانمندی یک عضو برای تولید ماهیت جدید و متفاوت را افزایش می‌دهد و خود را از فلسفه وجود نظام موجود جدا کرده و به نظام‌های دیگر پیوند می‌دهد.

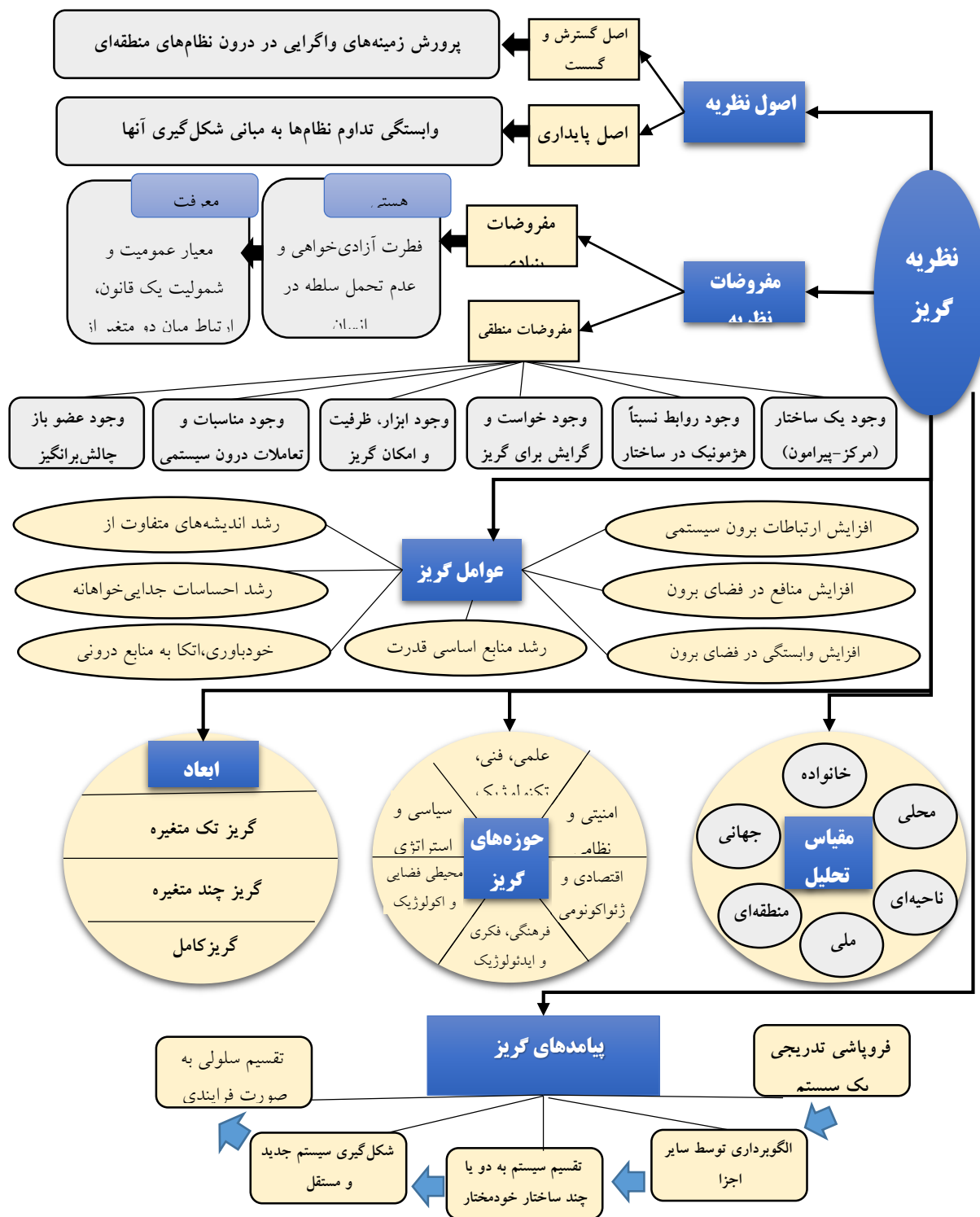
۶- جود عضو باز چالش‌برانگیز؛ همچنان که سیستم‌ها را به دو دسته باز و بسته می‌توان تقسیم کرد، اعضا و اجزای پیرامونی یک سیستم را با توجه به قابلیت یا عدم قابلیت آن‌ها در گریز از هسته‌های مرکزی، می‌توان به دو دسته اعضای پیرامونی باز و اعضای پیرامونی بسته دسته‌بندی کرد. تنها اعضای پیرامونی باز می‌توانند از یک سیستم خارج شوند و آن را به چالش بکشند.

عوامل گریز، آن دسته از الزامات و ضروریاتی هستند که در جداشدگی یک عضو از یک سیستم نقش فعال ایفا می‌کنند. ازجمله عوامل تأثیرگذار در نظریه گریز عبارت‌اند از: ۱- افزایش فزاینده ارتباطات برون سیستمی؛ ۲- افزایش منافع در فضای برون سیستمی؛ ۳- افزایش وابستگی و تعلقات در فضای برون سیستمی؛ ۴- رشد هویت‌ها و اندیشه‌های جدید و دیدگاه‌های متفاوت از سیستم موجود؛ ۵- رشد احساسات جدایی‌خواهانه و رهایی‌بخش؛ ۶- رشد منابع اساسی قدرت (زیرساخت‌ها و سرمایه)؛ و ۷- انسجام درونی، خودباوری و اتکاء به منابع درونی قدرت.

مقیاس‌های تحلیل در نظریه گریز برای مشخص کردن قابلیت‌های به‌کارگیری نظریه گریز در سطوح مختلف اجتماعی و فضایی به کار می‌رود. این مقیاس‌ها شامل: مقیاس فردی و خانوار، مقیاس محلی، مقیاس ناحیه‌ای، مقیاس ملی، مقیاس منطقه‌ای، مقیاس جهانی. مقصود از عرضه‌ها یا حوزه‌های تحلیل در نظریه گریز، آن دسته از میدان‌هایی است که گریز در آن می‌تواند رخ دهد. به عبارت دیگر، حوزه‌ها و عرصه‌هایی که هسته‌های پیرامون می‌توانند از آن خارج شوند. از میان عرصه‌ها و حوزه‌های متعددی که می‌توان در نظر گرفت، شماری از عرصه‌های گریز عبارتند از: ۱- علمی، فنی و تکنولوژیک؛ ۲- فرهنگی، فکری و ایدئولوژیک؛ ۳- اقتصادی و ژئواکونومیک؛ ۴- سیاسی و استراتژیک؛ ۵- محیطی، فضایی و اکولوژیک؛ و ۶- امنیتی و نظامی.

با فرض اینکه استقلال، همواره به صورت کامل و صددرصدی عینیت نمی‌یابد، بلکه اغلب به صورت نسبی رخ می‌دهد، می‌توان گفت که گریز به سه شکل می‌تواند رخ دهد: ۱- گریز کامل که در آن هسته یا هسته‌های پیرامونی به صورت کامل از سیستم جدا می‌شوند و استقلال همه‌جانبه در همه حوزه‌ها کسب می‌کنند (Schuon, 2013: 41)؛ ۲- گریز چند متغیره که در این بعد، هسته یا هسته‌های پیرامونی در برخی از حوزه‌ها و عرضه‌ها خودمختار می‌شوند و در شماری دیگر، همچنان به سیستم موجود وابسته باقی می‌مانند (Foltz, 2013)؛ ۳- گریز تک متغیره که در این نوع از گریز، هسته یا هسته‌های پیرامونی تنها در یک عرصه به سیستم

وفادار می‌مانند و یا تنها در یک عرصه با سیستم به مخالفت می‌پردازند. این بُعد از گریز کوشش برای ارتقای هسته پیرامونی به یک هسته نیمه پیرامون و درنهایت به یک هسته مرکزی در درون سیستم موجود است (Westall and Finn, 2017: 3). مهم‌ترین پیامدهای خروج عضو یا موجودیت‌های پیرامونی از هسته‌های مرکزی یک سیستم را می‌توان این‌گونه برشمرد: ۱- فروپاشی تدریجی یک سیستم؛ ۲- الگوبرداری توسط سایر اجزا (فرایند دومینوی فروپاشی سیستم)؛ ۳- تقسیم سیستم به دو یا چند ساختار مجزا و خودمختار؛ ۴- شکل‌گیری سیستم جدید و مستقل؛ و ۵- تقسیم سلولی به صورت فرایندی دائمی (Vathagh and Qarabegi, 2017, 175). در شکل زیر اصول، مفروضات، عوامل، مقیاس تحلیل، حوزه‌ها، ابعاد و پیامدهای گریز به اختصار مشاهده می‌شود.



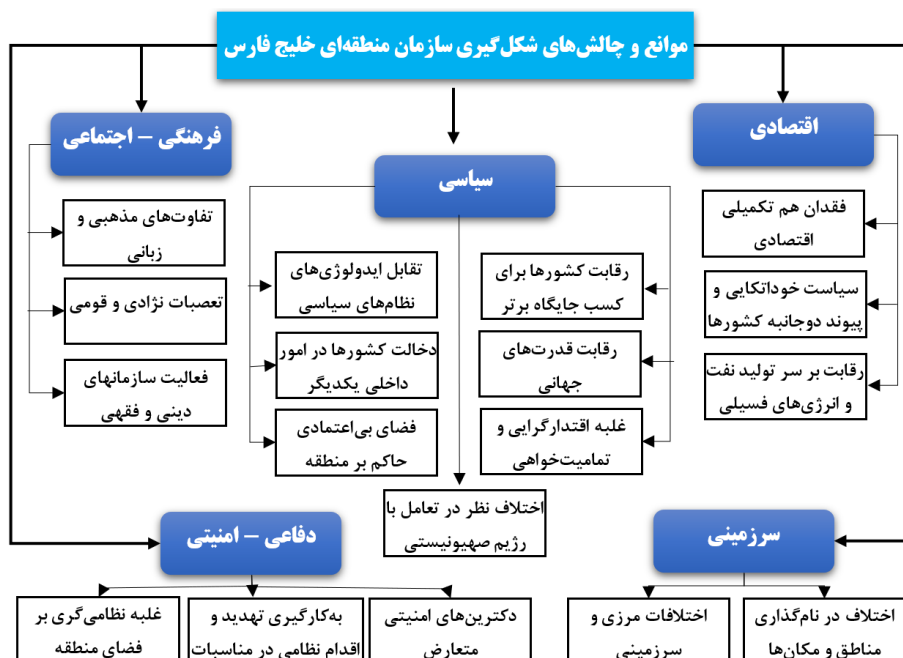
شکل ۲: نظریه گریز

(Source: Authors taken from Vathagh and Qarabegi, 2017)

۴- روش پژوهش

این پژوهش به دنبال بررسی و ارزیابی مهم‌ترین موانع و چالش‌ها در شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس است. تحقیق حاضر با توجه به ماهیت و روش، جزء پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی به شمار می‌رود و از لحاظ هدف، کاربردی است. سؤالات پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- مهم‌ترین موانع و چالش‌ها میان کشورهای منطقه خلیج فارس جهت تشکیل سازمان منطقه‌ای کدام‌اند؟
 - ۲- چه تفاوتی میان نظرات پاسخ‌دهندگان ایرانی و صاحب‌نظران کشورهای عرب منطقه در اهمیت و اولویت عوامل واگرا در تشکیل سازمان منطقه‌ای خلیج فارس وجود دارد؟
 - ۳- مؤثرترین موانع و چالش‌ها در تشکیل سازمان منطقه‌ای خلیج فارس کدام‌اند؟
- گردآوری اطلاعات پژوهش به دو صورت مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. در بخش مطالعه کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع معتبر، مهم‌ترین موانع و چالش‌های همگرایی در قالب ۵۰ متغیر گردآوری شد. در مرحله بعد با استفاده از روش «کدگذاری و مقوله‌بندی» و بر مبنای اشتراک محتوایی متغیرها، تعدادی از متغیرها ادغام و در مجموع ۱۸ مؤلفه به عنوان مهم‌ترین موانع و چالش‌ها در فرایند شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس احصاء و در قالب پنج بُعد اقتصادی، سیاسی، سرزمینی، فرهنگی-اجتماعی و امنیتی تقسیم شدند.

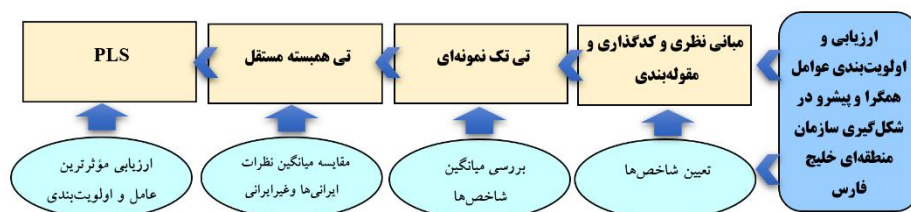


شکل ۳: مدل مفهومی پژوهش

(Source: Authors)

در مرحله بعد پرسشنامه پژوهش تدوین و جهت استفاده از صاحب‌نظران همه کشورهای منطقه علاوه بر فارسی به زبان عربی و انگلیسی نیز ترجمه و در اختیار اندیشمندان قرار گرفت. جامعه آماری، اندیشمندان و صاحب‌نظران ایرانی و سایر کشورهای عرب منطقه و همچنین محدود صاحب‌نظران جهانی در موضوع خلیج فارس هستند. جهت تعیین حجم نمونه نیز از فرمول کوکران استفاده شد و در نهایت نظرات ۱۳۰ نفر از صاحب‌نظران به‌طور کامل دریافت شد و مبنای تحلیل قرار گرفت.

در بخش تحلیل یافته‌ها، روایی و پایایی شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش، با استفاده از خطای استاندارد ضرایب کشیدگی و چولگی و همچنین معیار^۱ AVE و آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب (CR)، مورد تأیید قرار گرفت. در ادامه جهت پاسخ به سؤالات تحقیق و بررسی میانگین شاخص‌های تحقیق از آزمون تی تک نمونه‌ای و برای مقایسه نظر پاسخ‌دهندگان ایرانی و غیر ایرانی از آزمون تی همبسته مستقل با استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. همچنین جهت ارزیابی مؤثرترین عوامل پیشران در تشکیل سازمان منطقه‌ای خلیج فارس نیز از روش معادلات ساختاری PLS استفاده گردید.



شکل ۴: مدل روش تحقیق

۵- یافته‌های پژوهش

در تحقیق حاضر موانع و چالش‌های شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس در «۵ بُعد» اقتصادی (۳ گویه)، سیاسی (۷ گویه)، سرزمینی (۲ گویه)، فرهنگی - اجتماعی (۳ گویه) و دفاعی - امنیتی (۳ گویه) مطالعه شده است. همچنین متغیر وابسته تحقیق با ۵ سؤال کمی شده است. این پنج سؤال ماهیت شکل‌گیری چنین سازمانی را مدنظر قرار داده است که شامل شکل‌گیری سازمانی با ماهیت دفاعی - امنیتی، ماهیت فرهنگی - اجتماعی، ماهیت سیاسی، ماهیت اقتصادی و ماهیت زیست‌محیطی است.

¹ Average variance extracted

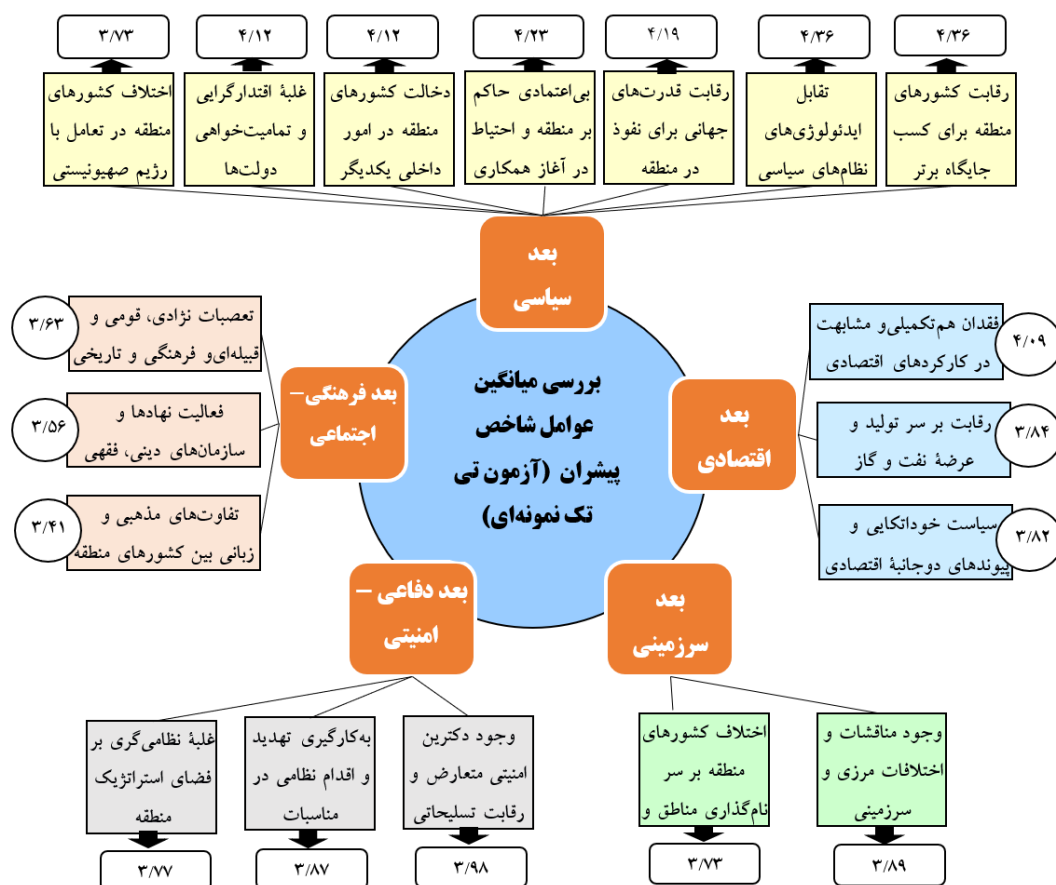
جدول (۲): ابعاد و موانع و چالش‌های شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس و ماهیت آن

متغیرها	علامت	گویه
موانع و چالش‌ها	Ceg1	«فقدان هم‌تکمیلی اقتصادی و مشابهت در کارکردها و فعالیت‌های اقتصادی کشورهای منطقه»
	Ceg2	«سیاست خوداتکایی و پیوندهای دوجانبه اقتصادی کشورهای منطقه و عدم پیوند گسترده با اقتصاد جهانی»
	Ceg3	«رقابت بر سر تولید و عرضه نفت و انرژی‌های فسیلی به بازارهای جهان»
	Csi1	«رقابت ژئوپلیتیک کشورهای منطقه برای کسب جایگاه برتر و هژمون منطقه»
	Csi2	«تقابل ایدئولوژی‌های نظام‌های سیاسی در کشورهای منطقه»
	Csi3	«رقابت قدرت‌های جهانی برای نفوذ در منطقه و کنترل کشورهای آن»
	Csi4	«دخال‌ت کشورهای منطقه در امور داخلی یکدیگر»
	Csi5	«غلبه اقتدارگرایی و تمامیت‌خواهی دولت‌ها در کشورهای منطقه»
	Csi6	«فضای بی‌اعتمادی حاکم بر منطقه و احتیاط و اکراه در آغاز همکاری‌های درون منطقه‌ای»
	Csi7	«اختلاف‌نظر کشورهای منطقه در مورد تعاملات سیاسی و اقتصادی با رژیم صهیونیستی و حمایت از فلسطین»
	Csa1	«اختلاف کشورهای منطقه بر سر نام‌گذاری مناطق و مکان‌ها (خلیج فارس/عربی و...)»
	Csa2	«وجود مناقشات و اختلافات مرزی و سرزمینی (مرزهای دریایی و سرزمینی) میان کشورهای منطقه»
	Cfa1	«تفاوت‌های مذهبی و زبانی بین کشورهای منطقه»
	Cfa2	«تعصبات نژادی، قومی و قبیله‌ای و سوءتفاهم‌های فرهنگی و تاریخی بین کشورهای منطقه»
	Cfa3	«فعالیت نهادها و سازمان‌های دینی، فقهی و مذهبی مستقر در کشورهای منطقه»
	Cam1	«وجود دکترین‌های امنیتی متعارض و رقابت‌های تسلیحاتی میان کشورهای منطقه»
	Cam2	«به‌کارگیری تهدید و اقدام نظامی در مناسبات کشورهای منطقه با یکدیگر»
	Cam3	«غلبه نظامی‌گری بر فضای استراتژیک منطقه»
شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس	Sazman 1	«تشکیل نهادهای منطقه‌ای با ماهیت دفاعی- امنیتی و گسترش همکاری‌های دفاعی و امنیتی»
	Sazman 2	«تشکیل نهادهای منطقه‌ای با ماهیت فرهنگی و اجتماعی و گسترش همکاری‌های فرهنگی»
	Sazman 3	«تشکیل نهادهای منطقه‌ای با ماهیت سیاسی و گسترش همکاری‌های سیاسی و تعامل منظم دیپلماتیک»
	Sazman 4	«تشکیل نهادهای منطقه‌ای با ماهیت زیست‌محیطی و گسترش همکاری‌ها در زمینه حفاظت از محیط‌زیست»
	Sazman 5	«تشکیل نهادها و ساختارهای منطقه‌ای با ماهیت اقتصادی و گسترش همکاری‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری..»

(Source: Research findings,2024)

۵-۱- بررسی و مقایسه میانگین شاخص‌ها با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

نتایج آزمون نرمال بودن شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش با استفاده از خطای استاندارد ضرایب کشیدگی و چولگی نشان می‌دهد، مقدار عددی ضرایب کشیدگی و چولگی برای تمام شاخص‌ها بین $+2$ و -2 است، لذا توزیع شاخص‌ها نرمال است. در ادامه با توجه به نرمال بودن شاخص‌ها و داشتن میانه نظری عددی ۳ اقدام به بررسی میانگین شاخص‌ها از طریق آزمون تی تک نمونه‌ای شده است. نتایج آزمون موردنظر نشان می‌دهد میانگین واقعی نظر کل پاسخگویان در تمام شاخص‌های بُعد اقتصادی، سیاسی، سرزمینی، فرهنگی-اجتماعی و دفاعی-امنیتی، از میانگین مفروض ۳ بالاتر است و در حد زیاد است. همچنین از آنجائی که سطح معناداری برای تمامی شاخص‌ها کوچک‌تر از آلفای ۰/۰۵ است، می‌توان گفت با اطمینان ۰/۹۵، تفاوت آماری معنی‌داری بین دو میانگین واقعی و مفروض وجود دارد. در شکل (۶) میانگین عوامل و شاخص‌های هر یک از ابعاد موانع و چالش‌ها مشاهده می‌شود.



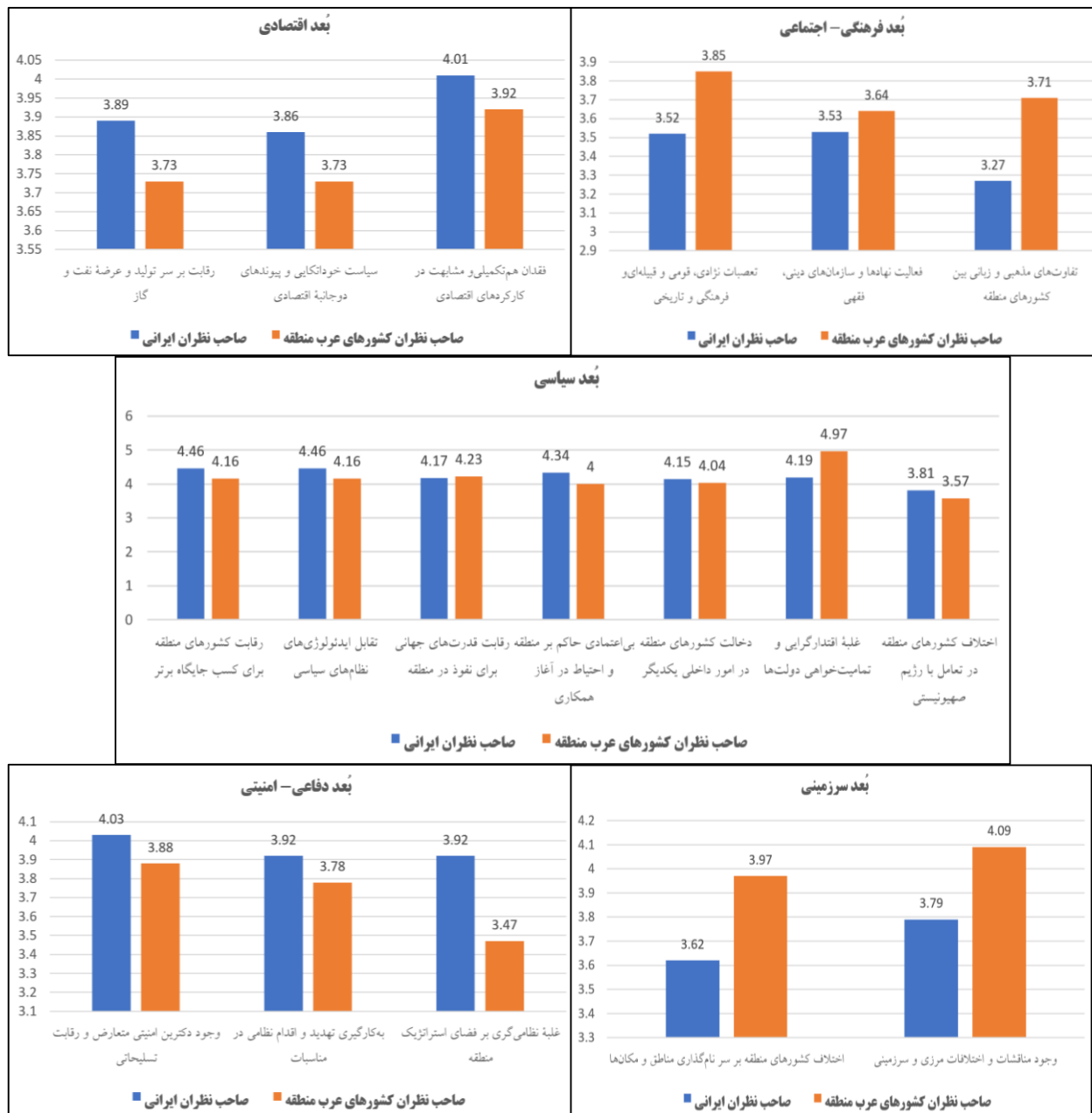
شکل (۵): بررسی میانگین شاخص‌های ابعاد، موانع و چالش‌ها (آزمون T تک نمونه‌ای)

(Source: Research findings, 2024)

۲-۵- مقایسه میانگین نظرات پاسخ‌دهندگان ایرانی و کشورهای عرب منطقه (آزمون تی همبسته مستقل)

برای مقایسه نظر پاسخ‌دهندگان ایرانی و صاحب‌نظران کشورهای عرب منطقه در ارزیابی و تعیین مهم‌ترین موانع و چالش‌ها در تشکیل سازمان منطقه‌ای خلیج فارس از آزمون تی همبسته مستقل استفاده شده است. همچنانکه در نمودار زیر مشخص است در بُعد اقتصادی با توجه به سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵، میانگین نظرات پاسخ‌دهندگان ایرانی و غیر ایرانی تفاوت معناداری با یکدیگر نداشته و نظرات این دو گروه با سطح اطمینان ۹۵ درصد با هم مشابه هستند. نتایج آزمون در بُعد سیاسی و دفاعی - امنیتی نشان می‌دهد با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، میانگین نظرات پاسخ‌دهندگان ایرانی در شاخص‌های «فضای بی‌اعتمادی حاکم بر منطقه و احتیاط در آغاز همکاری‌ها» در بُعد سیاسی و «غلبه نظامی‌گری بر فضای استراتژیک منطقه» در بُعد دفاعی - امنیتی، با صاحب‌نظران کشورهای عرب منطقه تفاوت داشته و پاسخ‌دهندگان ایرانی تأثیر این شاخص‌ها را بیشتر ارزیابی کرده‌اند که نشان از اهمیت این شاخص‌ها برای پاسخ‌دهندگان ایرانی دارد.

همان‌گونه که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود، در بُعد فرهنگی - اجتماعی در شاخص «تفاوت‌های مذهبی و زبانی بین کشورهای منطقه»، و در بُعد سرزمینی در شاخص «اختلاف کشورهای منطقه بر سر نام‌گذاری مناطق و مکان‌ها (خلیج فارس/عربی و...)» با توجه به سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵، میانگین پاسخ صاحب‌نظران کشورهای عرب منطقه بیشتر از پاسخ‌دهندگان ایرانی است و از نظر صاحب‌نظران عرب این شاخص‌ها تأثیر بیشتری به‌عنوان مانع در تشکیل سازمان منطقه‌ای خلیج فارس دارد.



نمودار (۱): نتایج مقایسه میانگین شاخص‌های موانع و چالش‌ها در دو گروه ایرانی و صاحب‌نظران کشورهای عرب منطقه

(Source: Research findings, 2024)

۳-۵- تحلیل و ارزیابی مدل موانع و چالش‌ها در تشکیل سازمان منطقه‌ای خلیج فارس با روش معادلات ساختاری PLS

در جدول (۳)، نتایج ماتریس مدل معادلات ساختاری PLS نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقادیر AVE^1 همه سازه‌ها بیشتر از ۰/۵ است، بنابراین ابزار اندازه‌گیری از روایی مناسبی برخوردار است. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب در تمامی سازه‌ها بالاتر از ۰/۰۷ است که نشان‌دهنده پایابودن ابزار اندازه‌گیری است.

جدول (۳): ابعاد روایی و پایایی موانع و چالش‌های شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس

متغیرها	فرهنگ	اقتصاد	سرزمین	سازمان	امنیتی	سیاسی	(AVE)	پایایی	آلفای
	ی	ی	ی	منطقه‌ای		ی		مرکب	کرونباخ
فرهنگی	۰,۸۲						۰,۶۷۳	۰,۸۶	۰,۷۵۸
اقتصادی	۰,۴۰۴	۰,۷۱۹					۰,۵۱۸	۰,۷۵۲	۰,۷۳۴
سرزمینی	۰,۵۴۳	۰,۳۰۲	۰,۸۴۱				۰,۷۰۷	۰,۸۲۷	۰,۷۹۵
سازمان منطقه‌ای	۰,۲۲۱	۰,۲۱۲	۰,۳۰۷	۰,۶۱۲			۰,۵۷۵	۰,۷۴۵	۰,۷۰۷
امنیتی	۰,۳۴۴	۰,۳۵۹	۰,۲۵۹	۰,۲۱۲	۰,۷۷		۰,۶۰۶	۰,۸۲۱	۰,۷۰۵
سیاسی	۰,۳۷۲	۰,۳۱۲	۰,۴	۰,۲۴۱	۰,۴۲	۰,۶۵۵	۰,۵۲۹	۰,۸۳۵	۰,۸۰۶

(Source: Research findings, 2024)

منظور از برازش مدل این است که تا چه حد مدل با داده‌های مربوطه سازگاری و توافق دارد. در تحلیل معادلات ساختاری متعاقب انجام تخمین پارامترها باید از برازندگی مدل اطمینان حاصل شود. به منظور سنجش مدل و برازندگی آن از شاخص‌های ضریب تعیین و معیار Q2 استفاده شده است. در جدول (۴) جهت برازش مدل موانع و چالش‌های شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس، ضریب تعیین و معیار Q2 مدل گزارش شده است. شاخص نیکویی برازش مدل ۰/۱۲۶ به دست آمده است که بیانگر ضریب تعیین قابل قبول است. همچنین مقدار معیار Q2، ۰/۵۷۵ بوده که نشان از قدرت پیش‌بینی قوی است. با توجه به تأیید برازش مدل در قسمت بعد به بررسی ضرایب مسیر پرداخته می‌شود.

¹ Average Variance Extracted - شاخص (AVE) اندازه‌گیری مقدار واریانس است که توسط یک سازه در رابطه با مقدار واریانس ناشی از خطای اندازه‌گیری

گرفته می‌شود.

همچنان که در نمودار بالا مشخص است، اولویت‌بندی عوامل در ابعاد پنجگانه نیز بدین ترتیب است: در «بعد سرزمینی» که در مجموع ابعاد پنجگانه رتبه اول را دارد، متغیر «اختلاف کشورهای منطقه بر سر نام‌گذاری مناطق و مکان‌ها» رتبه اول و متغیر «مناقشات و اختلافات مرزی و سرزمینی» در رتبه دوم قرار دارد. در «بعد فرهنگی» متغیر «فعالیت نهادها و سازمان‌های دینی، فقهی و مذهبی مستقر در کشورهای منطقه» به‌عنوان مؤثرترین مانع، رتبه اول و متغیر «تفاوت‌های مذهبی و زبانی بین کشورهای منطقه» رتبه دوم را دارد. «بعد دفاعی - امنیتی» رتبه سوم را در مجموع ابعاد پنجگانه دارد؛ در این بُعد متغیرهای «وجود دکترین‌های امنیتی متعارض و رقابت‌های تسلیحاتی میان کشورهای منطقه»، «غلبه نظامی‌گری بر فضای استراتژیک منطقه» و «به‌کارگیری تهدید و اقدام نظامی در مناسبات کشورهای منطقه با یکدیگر» رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند و در واقع در ممانعت از شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس نقش مؤثری دارند. «بعد سیاسی» در ابعاد پنجگانه رتبه چهارم را دارد. در این بُعد، متغیر «اختلاف‌نظر کشورهای منطقه در مورد تعاملات سیاسی و اقتصادی با رژیم صهیونیستی و حمایت از فلسطین» رتبه اول و متغیر «رقابت ژئوپلیتیک کشورهای منطقه برای کسب جایگاه برتر و هژمون منطقه» با اختلاف امتیاز اندک با متغیر قبل رتبه دوم را دارد و در نهایت «تقابل ایدئولوژی‌های نظام‌های سیاسی در کشورهای منطقه» متغیر دیگر سیاسی است که در رتبه سوم موانع و چالش‌های سیاسی شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس قرار دارد. در نهایت، «بعد اقتصادی» در بین موانع و چالش‌های شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس در رتبه پنجم قرار دارد و متغیرهای آن نیز کمترین نقش را در ممانعت از شکل‌گیری چنین سازمان منطقه‌ای دارند. رتبه‌بندی در بین متغیرهای این بُعد بدین صورت است که متغیر «فقدان هم‌تکمیلی اقتصادی و مشابهت در کارکردها و فعالیت‌های اقتصادی کشورهای منطقه» در رتبه اول، متغیر «سیاست خوداتکایی و عدم پیوند گسترده با اقتصاد جهانی» در رتبه دوم و در نهایت متغیر «رقابت بر سر تولید و عرضه نفت و انرژی‌های فسیلی به بازارهای جهان» در رتبه سوم بُعد اقتصادی موانع و چالش‌ها قرار دارد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

با فروپاشی نظام دوقطبی و در دوران گذار به‌سوی نظم جدید، مناطق در عرصه بین‌المللی از اهمیت فراوانی برخوردار شدند و بسیاری از واحدهای ملی برای حضور موفق در صحنه جهانی به‌سوی همکاری‌های منطقه‌ای روی آوردند (مجیدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴). البته در برخی مناطق، تجمع منافع متعارض، ستیزش و تداوم تنش و کشمکش و زیاده‌خواهی دولت‌ها، باعث ایجاد بحران در روابط بین بازیگران یک منطقه و مانع از همگرایی منطقه‌ای شده است. در این بین، ساختار توزیع قدرت در نظام بین‌الملل نیز ضمن ترسیم قواعد خاص خود در

هر برهه‌ای از تاریخ، همواره یک محیط رقابت و یک عرصه بازی برای تحقق خواسته‌ها و منافع دولت-ملت‌های آشنای با قواعد بازی در سیاست بین‌الملل فراهم آورده است. در میان مناطق مختلف، منطقه خلیج فارس با وجود اینکه مدل منحصربه‌فردی از یک منطقه ژئوپلیتیک است و قابلیت همگرایی منطقه‌ای را دارد، اما آنچه بیش از هر چیز در میان کشورهای منطقه خلیج فارس دارای سابقه است، همانا اقدامات و کارهای واگرا است؛ چه در زمان حضور امپراطوری‌های عثمانی و بریتانیا در منطقه و چه در دوران معاصر، این منطقه شاهد عملکردهایی با عدم اطمینان نسبت به هم بوده است. گرچه منافع قدرت‌های خارجی اقتضاء می‌نماید تا جوی بدبینانه را در میان این کشورهای منطقه حاکم سازد، اما این مسئله تنها ریشه در قدرت و سیاست کشورهای خارجی ندارد و عوامل درون منطقه‌ای نیز به این مسئله دامن زده‌اند. در این راستا، این پژوهش به دنبال بررسی مهم‌ترین و مؤثرترین موانع و چالش‌های تشکیل سازمان منطقه‌ای خلیج فارس بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بیشترین میانگین در بُعد اقتصادی به شاخص «فقدان هم‌تکمیلی و مشابهت در کارکردهای اقتصادی» تعلق دارد. منطقه خلیج فارس با ۷۳۰ میلیارد بشکه نفت که معادل ۶۴ درصد ذخایر اثبات‌شده جهانی است، جایگاه ممتازی را در اقتصاد سیاسی بین‌الملل دارد. علاوه بر این، حجم ذخایر نفت در منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد که به‌رغم افزایش در سطح تولید ما شاهد روند افزایش درصد حجم ذخایر شناخته‌شده نفت این منطقه نیز هستیم. البته این شرایط و ویژگی‌ها باعث وجود دولت‌های رانتیر^۱ در کشورهای منطقه خلیج فارس شده است. حاکمیت ساختارهای رانتیر هرچند در عمل به بهبود وضع اقتصادی کشورهای منطقه منجر می‌شود، اما درعین حال موجبات بی‌نیازی و نامکمل بودن بیشتر اقتصادهای منطقه را نسبت به یکدیگر فراهم می‌سازد. در بُعد سیاسی بیشترین میانگین به شاخص «رقابت کشورها برای کسب جایگاه برتر منطقه» و «تقابل ایدئولوژی‌های نظام‌های سیاسی» اختصاص دارد. اختلافات سیاسی-تاریخی و رقابت‌های سنتی برای کسب جایگاه برتر منطقه، همواره مناسبات میان دولت‌های ساحلی را تحت تأثیر خود قرار داده است. شکل آبراه و نیمه بسته بودن آن نیز موجب برخی کشمکش‌ها میان دولت‌های ساحلی به‌ویژه آنهایی که به علت ساحل اندک خود، دسترسی کمتری به آبراه دارند و یا به علت قرار گرفتن در انتهای شمال غربی خلیج فارس، صدها کیلومتر دور از تنگه هرمز افتاده‌اند، گردیده است. علاوه بر آن، گرایش‌های نژادی، ملی‌گرایانه و ایدئولوژیکی و به تبع آن تجدید صف‌آرایی میان کشورها بر اساس ماهیت غالباً متغیر منافع و رقابت‌ها، موجب تنش میان کشورهای منطقه گردیده است (Mirhaidar, 1990: 90) (Mojtahadzadeh, 1990: 27). در بُعد سرزمینی بیشترین میانگین مربوط به شاخص «اختلافات مرزی و سرزمینی» است. نگاهی به ابعاد ژئوپلیتیک مرزها در منطقه خلیج فارس، مواردی چند از اختلافات ارضی و مرزی را نه تنها در گذشته، بلکه در

^۱ دولتی که بیش از ۴۲ درصد از کل درآمدهایش از رانت خارجی (فروش یک یا چند ماده معدنی و بدون هیچ فعالیت اقتصادی) باشد.

دوران پس از جنگ سرد را نیز در منطقه نمایان می‌سازد که هریک می‌تواند قدرت انفجاری برابر با بحران کویت (۱۹۹۱-۱۹۹۰) داشته باشد. ویژگی اختلافات مرزی و ارضی در بین کشورهای خلیج فارس پایداری آن‌ها است. در منطقه خلیج فارس، انعقاد قراردادهای مرزی به‌ندرت موجب حل و فصل نهایی این اختلافات می‌شود. تعداد قراردادهای مرزی منعقد بین دولت‌های خلیج فارس و نقض یا لغو مکرر آن‌ها بیانگر این مسئله است. درواقع طرفی که قراردادهای مرزی و ارضی منعقد را در جهت اهداف و منافع خود نمی‌بیند، در فرصت مناسب آن را لغو می‌کند. بنابراین انعقاد قراردادهای مرزی به مفهوم پایان اختلافات مرزی نیست. ویژگی دیگر اختلافات مرزی و ارضی در میان کشورهای خلیج فارس آن است که تداوم آن‌ها موجب بروز برخوردهای مرزی و جنگ شده است. به عبارت دیگر اختلافات مرزی و ارضی بین کشورهای خلیج فارس تنها به صورت اختلاف باقی نمانده، بلکه معمولاً همراه با برخوردهای مرزی بوده است. تقریباً تمام کشورهای خلیج فارس که با یکدیگر اختلافات مرزی و ارضی داشته‌اند، درگیر برخوردهای مرزی و جنگ نیز بوده‌اند: Sadeghi, 2021: 187 (Jafari Veldani, 1995: 17-16). یکی از دلایل واگرایی در منطقه خلیج فارس اختلافات نژادی، قومی، فرهنگی و مذهبی است؛ به همین دلیل در بُعد فرهنگی - اجتماعی نیز بیشترین میانگین به شاخص «تعصبات نژادی، قومی و قبیله‌ای» تعلق دارد. ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعی منطقه در کنار عراق و شیعیان بحرین، بزرگ‌ترین جمعیت مذهبی منطقه را تشکیل می‌دهند که به شدت از سوی ایران حمایت می‌شوند. در طرف مقابل عربستان سعودی قرار دارد که در کنار پنج کشور حوزه جنوبی خلیج فارس حامی و مدافع سنی‌های منطقه خلیج فارس و تفکر افراطی سلفی‌گری نوین هستند. با توجه به شرایط منطقه باید اذعان کرد که امروزه باورهای مذهبی افراطی شیعه - سنی، عرب و عجم و اسلام انقلابی شیعه و اسلام سنی که در بالاترین سطوح مراجع و مقامات سیاسی و فرهنگی بعضی کشورهای منطقه حاکم است، نه تنها موجب تنش‌های داخلی این کشورها شده، بلکه از عوامل مؤثر واگرایی‌های منطقه‌ای نیز محسوب می‌شود (Zarei et al, 2014: 741). در بُعد دفاعی - امنیتی بیشترین میانگین به شاخص به «دکترین‌های امنیتی متعارض و رقابت‌های تسلیحاتی» تعلق دارد. اگر امنیت را هدف عمده کشورهای منطقه خلیج فارس فرض کنیم به این واقعیت نامطلوب دست می‌یابیم که امنیت واژه مشترکی با معانی و تعبیر متفاوت و متعارضی است که همیشه کشورهای منطقه در مورد آن اختلاف نظر دارند. این تفاوت دیدگاه نیز سبب طرح‌ریزی فرمول‌های امنیتی متفاوت به اشکال مختلف و گاه متضاد و در نهایت اقدامات انفرادی شده، که این اقدامات انفرادی نیز سلب امنیت و آرامش دیگر کشورهای منطقه را به دنبال داشته است و کشورهای منطقه را به سوی یک واکنش دفاعی سوق داده است (Zarei, 2016: 476).

در زمینه مقایسه نظر پاسخ‌دهندگان ایرانی و صاحب‌نظران کشورهای عرب منطقه در تعیین مهم‌ترین موانع و چالش‌های تشکیل سازمان منطقه‌ای خلیج فارس نیز، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در بُعد سیاسی در شاخص

«فضای بی‌اعتمادی و اکراه در آغاز همکاری» میان نظرات دو گروه تفاوت وجود دارد و پاسخ‌دهندگان ایرانی تأثیر این شاخص را بیشتر ارزیابی کرده‌اند که نشان از اهمیت این شاخص‌ها برای پاسخ‌دهندگان ایرانی دارد. بدون شک سیاست‌های همراه با سوءظن و عدم اطمینان در منطقه به حدی است که هیچ یک از کشورهای منطقه حاضر نیستند که طرح ارائه‌شده از سوی کشور دیگر را بپذیرند و گاه تمامی امکاناتشان را بسیج کرده تا برنامه‌های ارائه‌شده را تکذیب کنند. حال آنکه این کشورها از ظرفیت بالایی برای همگرایی منطقه‌ای از مسیر گفتگو و تعامل و توافق بر روی مؤلفه‌های مشترک برخوردارند. در بُعد سرزمینی در شاخص «اختلاف کشورها بر سر نام‌گذاری مناطق و مکان‌ها» میانگین پاسخ صاحب‌نظران کشورهای عرب منطقه بیشتر از پاسخ‌دهندگان ایرانی است و از نظر آن‌ها این شاخص تأثیر بیشتری به‌عنوان مانع در تشکیل سازمان منطقه‌ای خلیج فارس دارد. درواقع تفاوت در هویت‌های ملی کشورهای شمال و جنوب خلیج فارس، موجب تضاد آرمان‌های ملی و تقابل بین آن‌ها شده است و در یک روند کلی در چارچوب ایدئولوژی‌های نژادی و مسلکی پان‌ایرانیسم و پان‌عربیسم متجلی گردیده‌اند که آثار آن را می‌توان در نام‌گذاری خلیج فارس/عرب و سایر مناطق مورد مناقشه مشاهده کرد. در بُعد فرهنگی - اجتماعی به‌رغم اشتراکات دین، فرهنگ ایرانی با فرهنگ عرب، اختلافاتی اساسی دارد. در میان شاخص‌های این بُعد نیز نظر صاحب‌نظران ایرانی و عرب منطقه در شاخص «تفاوت‌های مذهبی و زبانی» با هم متفاوت است و صاحب‌نظران کشورهای عرب منطقه تأثیر این شاخص را در ایجاد تنش‌های میان کشورهای منطقه بیشتر ارزیابی کرده‌اند. در بُعد دفاعی - امنیتی میانگین نظرات پاسخ‌دهندگان ایرانی با صاحب‌نظران عرب در شاخص «غلبه نظامی‌گری بر فضای منطقه» تفاوت دارد و پاسخ‌دهندگان ایرانی تأثیر این شاخص‌ها را بیشتر ارزیابی کرده‌اند که نشان از اهمیت این شاخص‌ها برای پاسخ‌دهندگان ایرانی دارد. بسیاری از تحلیلگران براین باورند که تسلیحات موجب جنگ نمی‌شود، بلکه بیشتر نشانه و نتیجه وجود بدگمانی، دشمنی و منازعه میان جوامع‌اند. در ارتباط با رقابت تسلیحاتی در خلیج فارس، آمارها بیانگر آن است که هزینه‌های نظامی کشورهای این منطقه نسبت به تولید ناخالص ملی آن‌ها طی دو دهه گذشته رشد قابل‌توجهی داشته است و تقریباً در تمامی کشورهای این منطقه بیشترین سهم بودجه کشور به بخش نظامی تعلق داشته و تفاوت درصد اختصاص‌یافته بودجه به هزینه‌های نظامی نسبت به سهم اختصاص‌یافته به دیگر بخش‌ها قابل‌توجه است. این رقابت تسلیحاتی گذشته از آنکه آثار زیان‌بار اقتصادی برای این کشورها به همراه دارد، باعث ایجاد و تشدید چرخه «سلاح - تنش» در روابط کشورهای این منطقه نیز می‌شود.

یافته‌های پژوهش در زمینه ارزیابی مؤثرترین موانع و چالش‌های تشکیل سازمان منطقه‌ای خلیج فارس نیز نشان می‌دهد، «بُعد سرزمینی» درمجموع ابعاد پنج‌گانه رتبه اول را به خود اختصاص داده است. درواقع از منظر صاحب‌نظران، متغیر «اختلاف کشورهای منطقه بر سر نام‌گذاری مناطق و مکان‌ها (خلیج فارس/عربی و...)» و

در کنار آن متغیر «مناقشات و اختلافات مرزی و سرزمینی (مرزهای دریایی و سرزمینی) میان کشورهای منطقه» به ترتیب بیشترین نقش را در ممانعت از شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس داشته‌اند. «بعد فرهنگی-اجتماعی» نیز رتبه دوم را در ابعاد پنج‌گانه به خود اختصاص داده است. در این بُعد، متغیر «فعالیت نهادها و سازمان‌های دینی، فقهی و مذهبی مستقر در کشورهای منطقه» به‌عنوان بزرگ‌ترین مانع، رتبه اول و «تفاوت‌های مذهبی و زبانی بین کشورهای منطقه» رتبه دوم را دارد. بُعد «دفاعی-امنیتی» رتبه سوم را در مجموع ابعاد پنج‌گانه دارد. در این بُعد، مهم‌ترین مانع شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس از دیدگاه صاحب‌نظران متغیر «وجود دکترین‌های امنیتی متعارض و رقابت‌های تسلیحاتی میان کشورهای منطقه» است. «بعد سیاسی» در ابعاد پنج‌گانه رتبه چهارم را دارد و در میان شاخص‌های آن نیز متغیر «نوع نگرش و مناسبات کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی و حمایت از آرمان فلسطین»، مهم‌ترین مانع محسوب می‌شود و رتبه اول را دارد. در رتبه دوم، متغیر «رقابت ژئوپلیتیک کشورهای منطقه برای کسب جایگاه برتر و هژمون منطقه» با اختلاف امتیاز اندک با متغیر قبل قرار دارد و در نهایت «تقابل ایدئولوژی‌های نظام‌های سیاسی در کشورهای منطقه» متغیر دیگر سیاسی است که در رتبه سوم موانع و چالش‌های سیاسی شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس قرار دارد. در نهایت، «بعد اقتصادی» در بین موانع و چالش‌های شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس در رتبه پنجم قرار دارد و به عقیده صاحب‌نظران، «فقدان هم‌تکمیلی اقتصادی و مشابهت در کارکردها و فعالیت‌های اقتصادی کشورهای منطقه»، مهم‌ترین مانع همگرایی اقتصادی بین کشورهای منطقه خلیج فارس است. علاوه بر این، «سیاست خوداتکایی و عدم پیوند گسترده با اقتصاد جهانی» و «رقابت بر سر تولید و عرضه نفت و انرژی‌های فسیلی به بازارهای جهان» دو مانع اصلی دیگر در همگرایی اقتصادی کشورهای منطقه و شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای با حضور همه کشورهای منطقه است.

قدردانی:

این مقاله مستخرج از رساله دکتری جغرافیای سیاسی با عنوان «امکان‌سنجی شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای خلیج فارس» در دانشگاه فردوسی مشهد است. نگارندگان وظیفه خود می‌دانند از حمایت‌های معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه فردوسی مشهد در انجام این پژوهش قدردانی نمایند.

کتابنامه

1. Arayesh, H., Salari Sardari, F., Noori, M., (2019). Regional Convergence Challenges in the Persian Gulf. *Journal of Cultural and Political Studies of the Persian Gulf*, 111-95. [In Persian].
2. Asadi, B., (2008). *Persian Gulf and its problems*. Tehran: Andishe. [In Persian].

3. Doerty, J., Palatigraph, R., (2005). *Conflicting Theories in International Relations*. (Vahid Bozorgi, Alireza Tayeb, Trans.). Tehran: ghoomes. [In Persian].
4. Foltz, R., (2013). *Religions of Iran: From Prehistory to the Present*. London: Oneworld publications.
5. Ghavam, S.A., (2005). *International Relations: Theories and Approaches*. Tehran: Samt. [In Persian].
6. Hafeznia, M., Kaviani Rad, M., (2004). *New horizons in political geography*. Tehran: Samt. [In Persian].
7. Hafeznia, M.R., (2008). *Geopolitical Principles and Concepts*. Mashhad: Papoli [In Persian]
8. Hosseini, S.L., (2013). *Regionalism in contemporary international law: opportunities and challenges*. Tehran: Khorsandi. [In Persian].
9. Javadi Arjamand, M.J., (2021). *Iran's foreign policy and regionalism*. Tehran: Mizan. [In Persian].
10. Kazemi, S.A.A., (2005). *Convergence Theories in International Relations*. Tehran: ghoomes. [In Persian].
11. Lake, David A., & Morgan, P.M., (1997). *Regional Orders: Building Security in a New World*. Pennsylvania: The Pennsylvania State University Press. [In Persian].
12. Majidi, M.R., Ezzati, E., & Saeedabadi, M.R., (2008). *West Asia, International System and Regional Integration*. Tehran: Research Center for Cultural and Social Studies. [In Persian].
13. Mirhaidar, D., (1990). The geopolitical importance of the Persian Gul. *Foreign policy magazine*, 4(1):85-96. [In Persian].
14. Mojtahadzadeh, P., (1990). A look at the political geography of Iraq and Kuwait on the margins of the Persian Gulf War. *Political-Economic Studies Monthly*, 5(4-5): 16-29. [In Persian].
15. Rouhi, M., (2016). *Tragedy of Regionalism in the Middle East (Regulation of Order and Disorder in International Middle East Politics)*. Tehran: Institute for Strategic Studies. [In Persian].
16. Sadeghi, S.S., (2021). *The International System and the Geopolitics of the Disputes of the Persian Gulf Countries*. Tehran: Forozan Rooz. [In Persian].
17. Schuon, F., (2013). *Understanding Islam*. London: World Wisdom Books.
18. Sinaei, V., (2016). Unfinished Process of Nation-Building State and Growing Persistence of Regional Convergence in the Persian Gulf. *Journal of State Research, Journal of Faculty of Law and Political Science*, 2(5): 29-62. [In Persian].
19. Vathiq, M., Qarabeigi, M., (2017). Theory of escape (explanation of divergence in social-political systems). *Geopolitics Quarterly* 14(3):168-179.
20. Westall, S., & Finn, T., (7 June 2017). UAE turns screw on Qatar, threatens sympathizers with jail, Reuters, Retrieved 7 June 2017, <https://www.reuters.com/article/us-gulf-qatar/trump-offers-to-help-resolve-gulf-crisis-uae-tightens-squeeze-on-qatar-idUSKBN18Y0DH>.
21. Zarei, B., (2016). *Persian Gulf Regional Studies*. Tehran: University of Tehran. [In Persian].
22. Zarei, B., Shahdoosti, H., & Zeinivand, A., (2014). Opportunities and challenges of regional convergence in the Persian Gulf. *Human Geography Research* 46(4) :755-731. [In Persian].